

شاهکار مردم مشهد در ۲۳ آذر ۵۷

پس از حمله مزدوران رژیم پهلوی به بیمارستان امام‌رضا(ع)، مردم به رهبری شخصیت‌های دینی مانند آیت‌ا... خامنه‌ای

میرزااجواد آقا تهرانی، آیت‌ا... واعظ‌طیسی، شهید هاشمی نژاد و... خود را به محل درگیری رساندند

و تحصنی ۱۳ روزه را آغاز کردند که نقطه عطف تاریخ انقلاب اسلامی در مشهد به‌شمار می‌رود



■ **حرکت مردم به‌سوی بیمارستان**

صبح روز ۲۳ آذر و ساعتی پیش از آغاز در گیری، آیت‌ا... سیدعلی خامنه‌ای برای حضور در مراسم روضه ماه محرم، به منزل یکی از علمای مشهد رفته بودند. در همان جا بود که تلفنی از این اتفاق مطلع شدند. ایشان در این باره می‌گویند: «ما در مجلس روضه بودیم و من رأیای تلفن خواستند، من رفته تلفن را جواب دادم و من دیدم از بیمارستان است و چند نفر از دوست و آشنا و غیر آشنا از آن طرف خط دارند با کمال دستپاچگی و سراسیمگی می‌گویند حمله کردند، زدند، کشتند و به داد برسید... بچه‌های شیرخوار را زده بودند، من آمدم آقای طبسی را صدا زدم، آمدم این اتاق، عده‌ای از علما در آن اتاق جمع بودند، یک چند نفر از معاریف مشهد هم بودند و روضه هم در منزل یکی از معاریف علمای مشهد بود. من رو کردم به این آقایان گفتم که وضع در بیمارستان این جوری است و رفتن ما به این صحنه احتمال زیاد دارد که مانع از ادامه تهاجم و حمله به بیماران و اطبا و پرستارها و این‌ها بشود و من قطعاً خواهیم رفت و آقای طبسی هم قطعاً خواهند آمد... اگر آقایان هم بیایید خیلی بهتر خواهد شد و اگر هم نیایید ما به هر حال می‌رویم. لحن توأم با عزم و تصمیمی که ما داشتیم موجب شد که چند نفر از علمای معروف و محترم مشهد گفتند که ما هم می‌آییم از جمله آقای حاج میرزااجوادآقای تهرانی و آقای مرورابد و بعضی دیگر، ما گفتیم پس حرکت کنیم. حرکت کردیم و راه افتادیم به طرف بیمارستان و گفتیم هم پیاده می‌رویم.» حرکت به سمت بیمارستان، در کمال آرامش و بدون شعار دادن انجام شد. آیت‌ا... خامنه‌ای و تعدادی از علمای مبارز مشهد در دیف‌نخست جمعیت حرکت می‌کردند و به همین دلیل، کسبه و مردم شهر نیز، با آن‌ها همراه شدند.

■ **صف‌شکتن...**

اما ورود به بیمارستان ساده نبود. سر بازاران ساختمان‌ها را محاصره کرده بودند. آیت‌ا... خامنه‌ای در این باره می‌گویند: «آهسته به برادرهای اهل علمی که بودند گفتم که ما باید در همین صف مقدم با ماتنت و بدون هیچ گونه تغییری در وضعیت پیش برویم تا مردم پشت سرمان بیایند و همین کار را کردیم. سرها را انداختیم پایین، بدون این که به رو بیایوریم که اصلاً سربازی و مسلحی، کسی وجود دارد در مقابل ما، رفته‌یم نزدیک. به مجرد این که به مثلاً یک متری این سربازها رسیدیم من ناگهان دیدم که مثل این که بی‌اختیار این سربازها از جلو پس‌رفتند و یک راهی به قدر عبور سه چهار نفر باز شد و مارفتیم. فکر آن‌ها این بود که ما برویم بعدرا‌ها ببینند اما نتوانستند این کار را بکنند. به‌مجرد این که ما از این خط عبور کردیم جمعیت ریختند و این‌ها



حدی بود که تعدادی از مجروحان را بستری کردند.

■ **کادر درمانی پاسخ‌قاطع می‌دهد**

اقدام رژیم و عمّال آن در روز ۲۲ آذرماه، از سوی جامعه پزشکان و پرستاران انقلابی بی‌پاسخ نماند؛ آن‌هاروز ۲۳ آذر در محوطه بیمارستان امام رضا(ع)، دست به یک تجمع اعتراضی زدند؛ درپی همین تجمع بود که حدود ساعت ۹ صبح، ارادل و اوباشی که روز قبل، آن فجایع را در بیمارستان ۱۷ شهریور به راه انداخته بودند، همراه با تعدادی دیگر از این جنس افراد، خود را به ضلع جنوبی بیمارستان رساندند و از سمت خیابان بهار به داخل محوطه نفوذ کردند. آیا این اقدام صرفاً برای سرکوب پزشکان و پرستاران متخصص بود یا اگر حتی آن‌ها هم این کار را انجام نمی‌دادند، حمله به بیمارستان صورت می‌گرفت؟ پاسخ دادن به این مسئله، ساده نیست؛ اما می‌توان گفت که به احتمال زیاد، هجوم به بیمارستان امام رضا(ع)، مانند حمله به بیمارستان ۱۷ شهریور، از پیش طراحی شده بود و ربطی به تحصن نداشت و بیشتر باید آن را تلاش برای گرفتن زهر چشم از مردم بدانیم. بهانه این اقدام را هم از قبل معلوم کرده بودند؛ در وقایع مربوط به تاسوعا و عاشورای حسینی، انقلابیون مجسمه شاه را در محوطه بیمارستان پایین کشیده بودند و به همین دلیل، بیمارستان امام رضا(ع) به عنوان مقصد دوم ارادل و اوباش، بر اساس نقشه عوامل رژیم در مشهد، سازمان دهی شده بود.

■ **ارادل علیه‌اطفال**

بخش اطفال بیمارستان امام رضا(ع) نزدیک‌ترین بخش به ضلع جنوبی بیمارستان بود؛ به همین دلیل مهاجمان ابتدا به سمت این بخش حمله‌ور شدند اما در مسیر، دست به تخریب خودروهای پارک‌شده در محوطه زدند. ورود به بخش اطفال، یک جامعه تمام‌عیار بود. گزارش‌هایی از زخمی شدن ۱۴ نفر از کارکنان بیمارستان در دست است و افزون بر این‌ها، آسیب‌هایی نیز به کودکان بستری در بخش و خانواده‌های آن‌ها وارد شد. با این حال، مقاومت پزشکان و پرستاران، مهاجمان را عقب‌راند و آن‌ها دوباره به خیابان بهار بازگشتند. در همین لحظه بود که زه‌پوش‌های رژیم وارد صحنه شدند و کادر بیمارستان را به گلوله بستند. شلیک گلوله‌های کالیبر ۵۰ به داخل بیمارستان، محشر کربایی به پا کرد. این زمان، مصادف با موقعی شد که گروهی از مردم برای حمایت از کادر درمانی وارد بیمارستان شده بودند. شهید محمد منفرد همان روز و در محوطه بیمارستان هدف گلوله قرار گرفت و دو روز بعد به شهادت رسید. نیروهای نظامی بعد از تیراندازی‌های گسترده به حاضران در بیمارستان، وارد محوطه شدند و ساختمان‌ها را محاصره کردند.

■ **برنامه‌زهرچشم‌گرفتن از مردم با تحرکات ارادل**

پس از عبور مشهد از وقایعی مانند حمله به حرم مطهر (۲۹ آبان ۵۷)، راهپیمایی‌های میلیونی تاسوعا و عاشورا و همچنین، ایراد نخستین خطبه‌خوانی انقلابی در حرم مطهر امام رضا(ع) توسط آیت‌ا... سیدعلی خامنه‌ای (۱۹ و ۲۰ آذر ۵۷)، شرایط در شهر به شکل آشکاری تغییر کرد؛ تغییری که دست برتر انقلابیون را در صحنه مبارزه نشان می‌داد. عوامل رژیم پهلوی، هم به لحاظ در خطر افتادن موقعیتشان و هم به دلیل فشاری که از تهران بر آن‌ها وارد می‌شد، باید دست به اقدامی برای جلوگیری از گسترش انقلاب می‌زدند. این اقدام، یک روز بعد از راهپیمایی گسترده عاشورای حسینی سازمان دهی شد. دسته‌ای از ارادل و اوباش اجیرشده، روز ۲۲ آذرماه سال ۱۳۵۷، به سمت بیمارستان ۱۷ شهریور، در بولوار کوهسنگی مشهد حرکت کردند؛ هدف سرکوب کادر درمانی و اداری بیمارستان بود که چندی قبل، با حضور شهید هاشمی نژاد، نام بیمارستان «ششم‌بهمن» را به ۱۷ شهریور» تغییر داده بودند. شاید دور افتاده‌تر بودن این بیمارستان نسبت به مرکز شهر و کانون فعالیت انقلابیون، از دلایلی بود که رژیم را به انتخاب این مکان واداشت. حمله به بیمارستان ۱۷ شهریور، شدید و خونبار بود و تعداد زیادی از پزشکان، پرستاران و کادر اداری بر اثر ضرب و شتم ارادل و اوباش مجروح شدند. شدت اقدامات به

نگاهی به وقایع شهر مشهد از ۲۳ آبان تا ۲۳ آذر ۵۷

آن یک ماه پُر حادثه

آن‌چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، گزارشی به سبک تقویم تاریخ است؛ مروری بر تعدادی از اتفاقاتی که در مشهد، طی یک‌ماه پیش از حمله عوامل و مأموران رژیم پهلوی به بیمارستان امام رضا(ع) رخ داد: از ۲۳ آبان تا ۲۳ آذر ۱۳۵۷. دقت در روند این وقایع نشان می‌دهد که چگونه مردم مشهد، متأثر از روشنگری‌های انقلابیون و البته اقدامات شدید و ضدانسانی رژیم شاه، گام به گام، به سوی نقطه اوج قیام پیش رفتند.

۲۳ آبان – بیت آیت‌ا... سیدعبدا... شیرازی به محاصره نیروهای رژیم درآمد.
۲۴ آبان – دانشجویان و استادان دانشگاه فردوسی دست به راهپیمایی در خیابان‌های اصلی شهر زدند.
۲۵ آبان – اجتماع عظیم مردم مشهد در ورزشگاه سعدآباد و سخنرانی آیت‌ا... سیدعلی خامنه‌ای.
۲۶ آبان – روزنامه خراسان و دیگر جراید مشهد، در اعتراض به اقدامات رژیم شاه نسبت به مردم، تعطیل شدند.
۲۸ آبان – استقرار نیروهای نظامی در اطراف حرم رضوی برای جلوگیری از تجمع؛ مردم خودشان را به میدان راه‌آهن رساندند و از آن‌جا دست‌انداختند. مأموران برای سرکوب به تیراندازی‌رواوردند و شماری از مردم شهید و مجروح شدند.
۲۹ آبان – یورش مأموران رژیم پهلوی به حرم امام رضا(ع)، شهادت تعدادی از ائزان و مجاوران و هتک حرمت این مکان مقدس.
۳۰ آبان – هزاران نفر از مردم، دانشجویان و روحانیان، برای حمایت از دو پزشک که به دلیل گریش‌های انقلابی بازداشت شده بودند، به سمت بیمارستان امام رضا(ع) راهپیمایی کردند. این راهپیمایی به شدت سرکوب شد.
اول آذر – صحن عتیق حرم رضوی، شاهد تظاهرات هزاران نفری

نتوانستند کنترل بکنند. «کادر درمان و مردمی که در بیمارستان گیر افتاده بودند، به سرعت درها را محاصره تا حد زیادی کم شد. همزمان گروهی از ارادل و اوباش که پس از ورود سربازان به بیمارستان، دوباره وارد محوطه شده بودند، دست به تخریب زدند و شعارهایی به نفع رژیم سر دادند. متحصنان و مردمی که به آن‌ها پیوسته بودند، با حرکت به سمت این افراد و سر دادن شعارهای انقلابی، باعث فرار آن‌ها شدند. دقایقی بعد، جلسه‌ای با حضور چندتن از علما و انقلابیون در بیمارستان برگزار شد؛ آیت‌ا...

خامنه‌ای پیشنهاد یک تحصن بزرگ و طولانی را دادند؛ تحصنی که هدف از برگزاری آن برکناری «میرهادی»، فرماندار نظامی مشهد و محاکمه عوامل حمله به بیمارستان بود. اعلامیه این تحصن نیز توسط آیت‌ا... خامنه‌ای تنظیم شد.

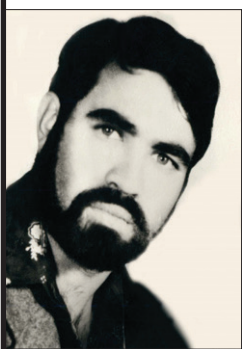
به یاد شهید محمد علی منفرد

شاهد واقعه ۱۷ شهریور، شهید واقعه ۲۳ آذر



یکی از اتفاقات تلخی که در ماجرای حمله مأموران و عوامل رژیم پهلوی به بیمارستان امام رضا(ع) در ۲۳ آذر ۵۷، قم‌خورد، هدف قرار گرفتن محمدعلی منفرد و شهادت او بود. شهید منفرد آن روز، برای حمایت از کادر درمانی که هدف حمله قرار گرفته بودند، خودش را به بیمارستان رساند؛ اما در جریان تیراندازی سنگین نظامیان شاه به محوطه بیمارستان امام رضا(ع)، هدف گلوله قرار گرفت و با وجود تلاش پزشکان، دوروز بعد بر اثر جراحات وارد شده، به شهادت رسید. شهید محمدعلی منفرد، هنگام شهادت حدود ۲۴ سال داشت. اوزاده و ستای حاجی‌آباد از توابع تبادکان بود. شهید منفرد در کودکی از نعمت پدر محروم شد و برای تأمین هزینه‌های زندگی، نتوانست بعد از کلاس دوم دبیرستان، به تحصیل ادامه دهد. او ابتدا در کارخانه قند مشهد و بعداً، به عنوان جوشکار در کارخانه کرم‌ایریش‌رشت مشغول کار شد. روایت‌هایی که از زندگی شهید منفرد وجود دارد، او را فردی حساس به اوضاع جامعه معرفی می‌کند؛ مسلمانی معتقد که از نادیده گرفتن اعتقادات مردم و ظلم همه‌جانبه‌ای که به طبقات فرو دست جامعه وجود داشت، معترض بود. همین اعتراضات باعث شد که در دوران عمر کوتاهش، بارها بازداشت و شکنجه شود. شهید منفرد از شاهدان واقعه ۱۷ شهریور در میدان ژاله تهران بود و مشاهده قتل عام مردم، از زن و مرد و کودک، به دست مأموران رژیم پهلوی، باعث شد که بیش از گذشته، حضور فعال در جریان انقلاب داشته‌باشد.

■ **روایت شهادت**



شهید منفرد که برای کار به گیلان رفته بود، در ایام عزاداری ماه محرم، برای زیارت حرم رضوی و دیدار با خانواده، راهی مشهد شد و در همین سفر بود که با شنیدن خبر یورش ارادل و اوباش به بیمارستان امام رضا(ع)، بلافاصله خود را به این محل رساند تا شاید بتواند از جان کادر درمانی در برابر حملات وحشیانه مزدوران رژیم حفاظت کند؛ اما در تیراندازی شدیدی که مأموران به راه انداختند، هدف گلوله قرار گرفت و بعد از دوزخ، چنان که گفتیم، شربت شهادت نوشید. پیکر شهید منفرد، از بیمارستان امام رضا(ع) و بر دوش مردم و متحصنان تشییع شد؛ اقدامی که در اوج گرفتن اعتراضات مردمی، نقش بسیار مؤثری داشت. آن مرحوم راپس از طواف در حرم رضوی، در بهشت رضا(ع) به خاک سپردند. شهید منفرد هنگام شهادت، صاحب فرزند یک سال و هشت ماهه بود، و روحش شاد.